

خلاقیت دانش آموزان با نگرش های فرزند پروری والدین

طاهره نهبندانی^۱، هانیه ماهری^۲، مهدیه جهان تیغی^۳

^۱ مدیر دبیرستان دخترانه سما زاهدان

^۲ کارشناسی علوم ورزشی، دبیرستان سمازاهدان

^۳ کارشناسی فقه ومبانی حقوق اسلامی، دبیرستان سما زاهدان

چکیده

هدف اساسی از انتخاب موضوع و انجام تحقیق در زمینه خلاقیت دانش آموزان و نگرشهای فرزند پروری والدین، دستیابی به نتایجی است که احتمالا حاکی از ارتباط برخی از عوامل بین آنهاست. جامعه و نمونه آماری را ۲۰۹ نفر پسر و ۲۱۸ دختر (جمعا ۴۲۷ نفر) و والدین آنها تشکیل داده است. تجزیه و تحلیل نتایج و داده ها با استفاده از روشهای آماری توصیفی و استنباطی مثل فراوانی، میانگین، ضریب همبستگی پیرسون، انحراف معیار، آزمون t، تحلیل واریانس و... به وسیله بسته نرم افزار آماری SPSS13 صورت گرفته است. نتایج تحقیق حاکی است ۱۱/۶٪ دانش آموزان خلاقیت بسیار زیاد، ۴۲/۲٪ خلاقیت زیاد، ۲۸/۷٪ خلاقیت کم و ۱۷/۵٪ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که ۵۳/۸٪ بالاتر از حد متوسط و ۴۶/۲٪ نیز پائین تر از حد متوسط می باشد. اکثریت والدین (۹۲/۵٪) نیز نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. از نظر شیوه های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش آموزان رابطه آماری معنی داری بدست نیامده است ($I^2 = ۲۰\%$). یعنی والدین دیدگاههای تربیتی روشن و جهت داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایشات شدیداً محافظه کارانه ای دارند که احتمالا می تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت باشد. ارتباط برخی از عوامل تشکیل دهنده خلاقیت با نگرشهای والدین، جنسیت دانش آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضعیت رفاهی خانواده ها و... که مربوط به فرضیه های فرعی تحقیق می باشد قابل توجه است. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد ۱۷/۵٪، ۲۸/۷٪، ۴۲/۲٪ و ۱۶/۶٪ می باشد. تفاوت معنی داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. در مقام مقایسه، میزان خلاقیت کلی و عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک، نتایج حاکی است: ۱- خلاقیت سیالی فرزندان خانواده های مرفه کمتر است. ۲- اکثریت پدران (۶۱/۵٪) و مادران (۴۷/۹٪) دانش آموزان

دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه داری (۴۶٪) و معلمی (۲۵/۳٪) و شغل اغلب پدران را کارمندی (۳۸/۳٪) و آزاد (۲۷٪) تشکیل می دهد. بنابراین نتایج آزمون، فرضیه اصلی و فرضیه فرعی ۲ تحقیق را تأیید نمی کند اما فرضیه های فرعی ۱ و ۳ و ۴ مورد تأیید هستند.

واژه های کلیدی: خلاقیت (سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری، بسط)، سبکهای فرزند پروری (سلطه گری، وابستگی شدید، سهل انگاری) نگرش

مقدمه

ادوارد دوبونو^۱ (۱۹۹۲) در کتاب خلاقیت کارآمد می‌گوید "هیچ چیز سودمندتر و باشکوه‌تر از این نیست که ایده‌ی جدید و ثمربخشی اهداف شما را برآورده سازد" (قاسمی، ۱۳۷۶، ص ۲۰). خلق فکر، ایده و مفاهیم نو همواره اساس اختراعات، اکتشافات و پیدایش راههای مناسب برای حل مسائل و مشکلات در زندگی انسان به شمار می‌آیند. جوامع پیشرفته و متمدن گذشته و حال پیوسته به ارزش و اهمیت این جنبه از تواناییهای ذهنی و فکری انسان توجه نموده و در صدد تقویت آن برآمده و از این طریق به توسعه، رفاه، ترقی و خوشبختی نائل آمده‌اند. چراکه بقول ارسطو "ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان به شمار می‌آید" (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۵). به این ترتیب ضعیف بودن فرآیند بروز خلاقیت‌ها در جوامع عقب مانده نیز موجب بدبختی، فقر و فلاکت خواهد بود. در دنیای پیچیده کنونی که شاهد رقابتهای بسیار فشرده جوامع مختلف برای دستیابی به جدیدترین تکنولوژیها و منابع قدرت هستیم، افراد تیزهوش، خلاق و صاحبان اندیشه‌های نو و مبتکرانه، همانند گرانبهاترین سرمایه‌ها، از جایگاه بسیار والا و ارزشمندی برخوردار هستند بطوریکه بقول توین بی^۲ شانس بدست آوردن خلاقیت بالقوه، می‌تواند موضوع زندگی و مرگ هرجامعه‌ای باشد (کفایت، ۱۳۷۳، ص ۳). بی‌مبالغه می‌توان گفت که وجه مشخص و بارز جهان امروز، همانا تغییر و تحول است که هیچ زمینه‌ای بدون تاثیر آن باقی نیست چرا که بقول هراکلیتوس در حیات چیزی پایدار نیست مگر دگرگونی. براین اساس امرسون ثبات احمقانه را زائیده مغزهای کوچک می‌شمارد (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۴). صرف تغییر ارزش تلقی شده و عاملان تغییر نوآوران ارزشمند محسوب می‌شوند که دگرگونی‌ها را با امید به بهبودی هرچه بیشتر و بیشتر سبب می‌شوند از این رو هرگونه اختراع، اکتشاف، ابداع و ابتکار خود اشکال تحول بوده و موجب تغییرند (غنی زاده، به نقل از سیدعباس زاده، ۱۳۸۷، ص ۱).

بدیهی است خلاقیت صرفاً مشتمل بر تفکر و عملکرد ذهنی افراد خاص و عرصه‌های ویژه زندگی نیست بلکه تقریباً تمامی افراد اعم از دانش آموز، دانشجو، کارمند، کشاورز، خانه دار و... در مدرسه، محیط کار و مزرعه حتی با دارا بودن حد متوسط بهره‌هوشی می‌توانند دارای عملکرد خلاقانه در زمینه‌های مختلف زندگی باشند. تحقیقات اخیر تورنس^۳ (۱۹۷۳) و پارنز (۱۹۶۳) و دیگران نشان داده است که خلاقیت در تمام فعالیتهای فردی و گروهی مشاهده شده و با شدت و ضعف بالقوه قابل پرورش، در همه انسانها وجود دارد (همتی، ۱۳۸۷، ص ۱۲). تورنس و تورنس (به نقل از اونیل، عابدی و اسپیل برگر^۴، ۱۹۹۴) اشاره می‌کنند که طی ۱۵ سال تجربه مطالعاتی و آموزش تفکرات خلاق، شواهدی را یافته‌اند که نشان می‌دهند خلاقیت را می‌توان آموزش داد براین اساس است که طی سالهای اخیر پژوهش و ساخت آزمونهای خلاقیت رونق پیدا کرده است (دائمی و مقیمی، ۱۳۸۳).

نوآوری و خلاقیت بعنوان ویژگی شگرف انسانی نه تنها در دوران کودکی و جوانی، بلکه در تمامی طول عمر قابل ظهور است. در واقع توانایی شخص برای خلاق و نوآور بودن ممکن است در مراحل بصورت کمون باقی بماند اما می‌توان آنرا دوباره احیاء کرد (ساعتچی، ۱۳۷۱، ص ۱۲۴). پس همه ما ذاتاً واجد توانائی تفکر و عملکرد خلاقانه هستیم لکن به واسطه شرائط محیطی به جای آنکه راههای بروز آنرا یاد بگیریم چگونگی سرکوب آنرا فرا می‌گیریم یعنی می‌آموزیم که چگونه خلاق نباشیم (همتی، ۱۳۷۸، ص ۱) چنین برخوردی با خلاقیت نیاز مسلم جوامع، خانواده‌ها، محیطهای آموزشی و کاری سنتی است. در محیطهای

1 - Edward De Bono

2 - Toyenbee

3 - Torrance

4 - O' Neil " Abedi & Spial Berger

سنتی رویارویی با مسائل، مشکلات و پدیده‌ها، واکنشهای قالبی و راههای تجربه و تأیید شده را می‌طلبید (آقای فیشانی، ۱۳۷۷، ص ۱۵۸). برعکس برخی جوامع توسعه یافته فضای بسیار مساعدی برای بروز و رشد خلاقیت دارند مثلاً امروزه در ایالات متحده آمریکا، خلاقیت در زمینه‌های علمی و تکنولوژی، بالاترین پاداشها را دریافت می‌دارد (کلمن^۱، ۱۹۶۰) بنابراین بی‌جهت نیست که حدود یک سوم اختراعات مهم جهان بنام آمریکا ثبت شده است.

مبانی نظری تحقیق

ویلیام جیمز^۲ (۱۹۱۱) می‌گوید "نیروی ابتکار مخترعان بزرگ و کوچک است که بشریت را تکان داده، دیگران فقط تقلید می‌کنند ابتکار یگانه عامل موثر در پیشرفت انسان است نوابغ راه را نشان میدهند و طرحهایی تنظیم میکنندکه عامه مردم می‌پذیرند و از آنها پیروی میکنند" (میناکاری، ۱۳۶۸، ص ۷۱). به نظر پستالوژی برترین مقصد تربیت آماده کردن انسان برای استفاده از تواناییهای خدادادی است (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). به عقیده سی تی مورگان و همکارانش، خلاقیت و نوآوری و توانایی حل مسئله در بالاترین سطح فعالیتهای شناختی انسان قرار دارند و ایجاد توان خلاقیت و حل مسئله در یادگیرندگان از ارزشمندترین غایبتهای پرورشی و فرهنگی می‌باشد زیرا تنها از راه ایجاد این تواناییهاست که می‌توان افراد را برای مقابله با شرائط سخت و متغیر زندگی و موقعیتهای جدید که مرتباً با آن روبرو می‌شوند، آماده کرد. با درک چنین حقیقتی است که کوفی عنان دبیرکل وقت سازمان ملل متحد می‌گوید "هیچ چیز باشکوهتر از فراهم آوردن شرایط بهبود زندگی انسانها نیست این مهم میسر نیست مگر با ابتکار. یا بقول اوپنهایمرها تنها راه سازگاری موثر در زندگی، استفاده حداکثر از نیروی آفرینندگی است (مویدنیا، ص ۳۳). بی‌تردید می‌توان گفت فرهنگ و تمدن بشری بیش از هر چیز دیگر مدیون فکر و اندیشه انسان به ویژه جنبه خلاقانه آن است. به عبارتی شاید بتوان گفت بدون خلاقیت، اصولاً یا فرهنگ و تمدنی وجود نداشت و یا اینکه ارزشمندی و سودمندی آن هرگز به این گسترده‌گی و جذابیت نبود، بنابراین امکانات، رفاه و قدرت انسان نیز بسیار محدود می‌شد. در واقع بسیاری از دست آوردهای جالب توجه زندگی انسان در هرزمان اعم از مادی و معنوی مثل خلق آثار تاریخی، اختراع ماشین، ارائه نظریات علمی، آفرینش آثار ادبی و هنری و... چیزی جز نتیجه فرآیند تفکر خلاقانه نمی‌باشد. بسیار جالب خواهد بود در صورتیکه ما یک نوع زندگی برای انسان تصور نمائیم که در آن خبری از خلاقیت و نوآوری نباشد طبیعی است در آن صورت دنیای ما بسیار سرد، ساده، ساکت، بدون شور و شاید کم و بیش شبیه دنیای سایر موجودات زنده (مثل دنیای حیوانات) می‌بود، حتی اگر همین مقدار هوش، توانایی و استعداد انسانی نیز وجود می‌داشت. بنا براین به قول شکسپیر "ابتکار انسان را برتر از حیوانات قرار می‌دهد" (مویدنیا، ۱۳۸۴، ص ۱۶۳). به عبارت دیگر می‌توان گفت اگر زندگی انسان بدون خلاقیت و نوآوری بود بی‌شک کشتی هستی در دریای متلاطم مسایل، مشکلات، نیازها، محدودیتهای و... توان شناوری نمی‌یافت. بنابراین، افتخار داشتن قدرت خلاقیت و نتایج فوق العاده شکوهمند و هیجان انگیز آن به عنوان موهبت الهی اختصاص به نوع بشر داشته و تقریباً سایر موجودات از آن محروم هستند.

بطور کلی پرداختن به موضوع خلاقیت از آن جهت مهم به نظر میرسد که واقعاً سهم بزرگی از جریان پیشرفت های علمی - صنعتی در دنیا، دست آوردهای تمدن بشری، آسایش و شکوه زندگی انسان محصول تفکر خلاقانه محسوب می‌شود، زیرا بدون ابداع و نوآوری عرصه زندگی برای همه به اندازه کافی سرد و بی‌تحرك بوده و حیات بشر نیز خیلی بیش از این ساده و همراه با رنج و زحمت همراه می‌شد. فلذا توجه به چنین امر خطیری، دقیقاً به معنی توجه به سرنوشت زندگی اجتماعی بشر و آینده

¹ - Coleman

² - William James

جوامع است. امروزه اندیشمندان بزرگی چون الوین تافلر (۱۹۸۰) از نتیجه محرومیت اجتماعی خلاقیت که می‌تواند ناشی از ناکارآمدی نهاد آموزش و پرورش باشد یاد کرده و تصریح می‌کند این وظیفه مهم و خطیر نهاد آموزش و پرورش است که بتواند تعادلی مطلوب بین ثبات و تغییرات مطلوب در جامعه ایجاد نماید و گر نه دچار "شوک آینده"^۱ خواهیم شد (الوین تافلر^۲، ۱۳۷۳، ص ۵۰۰). طبیعی است جوامع توسعه نیافته و در حال توسعه، نه تنها سهم قابل توجهی از جریان تولید فکر و آثار عینی خلاقیت بشری ندارند بلکه بیشتر مصرف‌کننده محصول خلاقیت دیگران هستند البته این ادعا به معنی نفی مطلق وجود خلاقیت در چنین جوامعی نیست بلکه مراد آن است که برآیند کلی موضوع در مجموع دست آورد قابل توجه و جالبی در مقام مقایسه ندارد. بنابراین اتخاذ سیاست‌ها و تنظیم برنامه‌های آموزشی مبتنی بر رشد خلاقیت فکری و عملی یادگیرندگان باید از اهم الویت‌های نظام آموزشی کشورهای مذکور مثل کشور ما باشد.

برخی کودکان به خاطر ابتدایی و تشویق والدین و معلم هایشان، قدرت خلاقه خود را بسط و تکامل می‌بخشند و برخی دیگر در حالیکه همان قدرت خلاقه را دارند از این تکامل محروم می‌مانند (رواندوست، ۱۳۶۴، ص ۴۵). علمای تعلیم و تربیت به یقین دریافته‌اند که اثرات منفی آموزش تحمیلی بسته و یکنواخت در مدارس در حدی است که استعدادها و قدرتها را از بین می‌برد. نقش مدرسه به هیچ وجه این نیست که نوارهای ضبط صوت تولید کند، بلکه بزرگترین وظیفه آن پرورش و توسعه قدرت تفکر، خلاقیت و مهارت‌های یادگیری در انسان است (خمارلو، ۱۳۷۰، ص ۷). بنابراین مهارت‌های تفکر خلاق باید به عنوان مهم‌ترین مهارت‌های سازگاری و قابلیت انطباق شناخته شود. چنین مهارت‌هایی باید برای مواد درسی مدارس، خانواده‌ها، صنعت و سایر موسسات، اساسی و ضروری تلقی گردد (تورنس، ۱۹۷۹، ص ۲۴). کلیات رئوس برنامه‌های آموزشی و مفاد درسی در نظام آموزشی کشورمان تقریباً به صورتی تنظیم شده است که عمدتاً از قبل همه پاسخ‌ها و روش‌های حل مسائل مشخص بوده و نقش معلم و دانش‌آموز نیز براساس الگوهای معین تدریس و آموزش تعیین شده است بنابراین فرصت بروز خلاقیت برای دانش‌آموزان و معلمان یا وجود ندارد و یا اعتنای کافی به آن نمی‌شود. حتی ممکن است در برخی شرائط، بروز پاسخ‌ها و عملکردهای خلاقانه دانش‌آموزان توسط معلمان، والدین و اولیاء مدارس سرکوب نیز بشود. در نظام آموزشی ما که نهایتاً دانش‌آموزان با نمره عددی مورد ارزیابی قرار گرفته، آزمون و امتحان اساس ارزیابی پیشرفت تحصیلی محسوب می‌شود رشد خلاقیت چندان جدی گرفته نمی‌شود در حالیکه اصولاً می‌بایست آموزش براساس رشد خلاقیت جایگزین آن باشد.

تجاریبی که ما در سالهای اولیه در اختیار کودکان خود قرار می‌دهیم در رشد آتی آنان تأثیرات بسیارحیاتی دارد. هر قدر این تجارب غنی‌تر باشند کودکان فرصت‌های بیشتری برای رشد و آمادگی برای درک آن چیزهایی پیدا می‌کنند که در زمان حال و آینده به آن نیاز دارند (دافی، برنات، ۱۳۸۰، ص ۳۵) بسیاری از مربیان تعلیم و تربیت خود به خود از طیف گسترده کاربردهای مفید الگوهای تفکر واگرا^۳ و خلاقیت را ایجاد کنند آگاهی ندارند همانطوریکه گوردون عقیده دارد خلاقیت را می‌توان با یک سری تمرین‌های گروهی افزایش داد. نوآوری معمولاً با ترس و نگرانی دنبال می‌شود در واقع والدین می‌خواهند کودکانشان همان راه آموزشی را بروند که خودشان طی کرده‌اند بنابراین اغلب مردم در خصوص نوآوری آموزشی محتاط هستند. مردم هر قدر هم از مدارس قدیمی انتقاد نمایند. در عین حال به علت آشنائی آنها انتخاب می‌نمایند. نوآوریها در مدارس کاهها به عنوان پائین آمدن استانداردها تعبیر می‌شود (جوینس، ویل و کالهن، ۱۳۸۴، ص ۲۳۹ و ۲۴۱). فرض است کودکان ذاتاً خلاق به دنیا می‌آیند و شرط ظهور استعدادهای خلاقانه نیز وجود شرایط مناسب محیطی در خانه، مدرسه و...

^۱ - Future shock

^۲ - Alvin Toffler

^۳ - Divergent thinking

است کودکان تخیلات، ایده‌ها و افکار خود را با به کار گرفتن روشهای گوناگون و خاص خود تعیین می‌کنند آنها نقاشی می‌کنند، داستان می‌نویسند، نقش بازی می‌کنند، کاردستی درست می‌کنند، خمیربازی می‌کنند، چپستان درست می‌کنند، موسیقی می‌نوازند، مسئله می‌سازند و... برای همه این کارها، کودکان نیاز به ایده‌ها و اطلاعات خاص دارند تا با ترکیب کردن آنها بتوانند قوه ابتکار و نوآوری‌شان را نمایش دهند. کتاب، بازیها، اسباب بازیها، تجارب غنی محیطی و بسته‌های آموزشی و... ابزارهای مورد نیاز، برای ظهور خلاقیت کودکان است.

کاربرد تفکر خلاق به حوزه‌هایی چون علوم و هنر محدود نیست. تفکر خلاق در هر عرصه‌ای در زندگی مفید است (برونو، ۱۳۷۰ ص ۸۲) عموم مردم تصور می‌کنند که خلاقیت عمدتاً در دستر هنرها متجلی می‌شود در حالیکه در تمام زمینه‌ها، این امر محقق می‌شود مثلاً در زمینه مهندسی که نتیجه آن اختراع نامیده می‌شود. خلاقیت چه در علم، ادبیات، موسیقی، نقاشی و یا هر زمینه دیگر در زندگی باشد همواره چون رازی جالب باقی مانده است با وجود این واقعیت، توجه روانشناسان هر روز به این موضوع افزایش می‌یابد (فینک، وارد و اسمیت، ۱۹۹۲). بنابراین زمینه بروز خلاقیت می‌تواند شامل همه مفاد درسی، تمام عرصه‌های زندگی، کلیه رشته‌های تحصیلی و حتی سنین مختلف نیز بشود هرچند اثرات آن در مورد دانش آموزان، دانشجویان و سنین پائین با اهمیت تر است. یعنی از روش حل یک مسئله خشک ریاضی گرفته تا نگارش انشاء، ترسیم نقاشی، آزمایش فیزیک و شیمی و... عرصه‌های بروز خلاقیت هستند. به شرطی که نحوه تعامل معلم، والدین و اولیاء مدرسه نیز سازنده، مولد و خلاقانه باشد. دلیل ما بر این ادعا نه تنها شرح و حال زندگی و تجارب عملی مشاهیر و مخترعان بزرگ، بلکه شیوه برخورد های نقض کننده عوامل موثر در آموزش و پرورش خلاقیت کودکان است.

این تحقیق در صدد دستیابی به این هدف است که نگرشها و شیوه‌های فرزند پروری والدین، تا چه اندازه در بروز، رشد و شکوفائی خلاقیت دانش آموزان تاثیر دارد؟ به عبارت دیگر می‌خواهیم روشن سازیم که روشهای تربیتی و نظام ارزشهای اجتماعی منجر به ایجاد محیط مناسب رشد خلاقیت و یا مانع بروز آن کدامند؟ تا براساس یافته‌ها و نتایج تحقیق توصیه‌های لازم آموزشی و تربیتی را به والدین، مسئولین آموزشی و مربیان ارائه شود. فرض اساسی ما این است که خلاقیت دانش آموزان ارتباط زیادی با رشد و توسعه جوامع، موفقیت تحصیلی، موفقیت شغلی و ارتقاء سطح رفاه انسانها دارد. از طرف دیگر فرض است که میزان بهره‌مندی و زمینه‌های بروز خلاقیت در میان دانش آموزان و افراد جامعه ما از حد متوسط جهانی کمتر نیست. لکن نحوه برخورد و نگرش والدین و مربیان و حتی مسئولین کشوری با این جنبه از توانائی ذهنی دانش آموزان جامعه بطوریکه در جریان تربیت و آموزش، نتایج به بروز و تقویت تفکر و عمل خلاقانه منجر گردد زیر سوال است.

نیل به این هدف مهم جزء با تغییر نگرشها و روشها که در محتوی برنامه‌ها و شیوه‌های تربیتی - آموزشی محیط‌های غیررسمی (خانواده، اجتماع) و محیط‌های رسمی (آموزشگاهها، مدارس، دانشگاهها و...) میسر نیست. چنین هدفی که به عنوان یک مساله مورد توجه پژوهش حاضر قرار گرفته در درجه اول نیاز به بررسی نگرشها، برخورد های والدین و برداشتهای ذهنی معلمان از خلاقیت دانش آموزان دارد.

روش تحقیق^۱ (روش اجرای تحقیق)

انتخاب روش تحقیق در واقع انتخاب مناسب ترین و بهترین راه رسیدن به هدف تحقیق است. همانطوریکه بدون استفاده از مسیر و راه مناسب نمی‌توان به راحتی به مقصد رسید بدون گزینش و استفاده از روش تحقیق مناسب نیز نمی‌توان مطابق

¹ - Research method

اصول علمی به هدف نهائی پژوهش دست یافت. به عبارت دیگر هر موضوع تحقیق، روش متناسب خود را دارد. از پژوهشگر انتظار می رود که قبل از اقدام عملی به اجرای تحقیق، روش متناسب با آن را شناسایی کند و آن را در محل مربوط در طرح تحقیق درج نماید (سید عباس زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۵۰). تحقیقات علمی را بر اساس چگونگی بدست آوردن داده های مورد نیاز (طرح تحقیق) می توان به دو دسته توصیفی (غیرآزمایشی)^۱ و آزمایشی^۲ (تجربی) تقسیم کرد. تحقیقات توصیفی شامل مجموعه روشهایی است که هدف آنها توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی است این تحقیق بر حسب نحوه گردآوری داده ها، یک تحقیق توصیفی^۳ موردی است. این نوع تحقیق بنا بر جستگی موضوع در نظام آموزش کشور و اهمیت خاص مراکز سمپاد انتخاب شده و می تواند راهگشای موارد دیگر نیز باشد. بدیهی است در این حالت نمونه گیری صورت نمی گیرد و همه جامعه آماری نیز می تواند به عنوان نمونه آماری مورد تحقیق واقع شود. یعنی مورد مربوط برگزیده شده و بر روی آن تحقیق صورت می گیرد و به همین دلیل نیز به آن "مطالعه موردی"^۴ اطلاق می شود. طبیعتا در این قبیل موارد، بیش از تحقیقات دیگر به عمق مسائل پرداخته می شود. از طرفی قصد تحقیق سنجش عقاید و نگرش والدین و دانش آموزان در باره ایده ها و رفتارهای خلاقانه است روش تحقیق مورد استفاده از نوع "زمینه یابی"^۵ و "پیمایشی" خواهد بود. سیدعباس زاده، ۱۳۸۷، ص ۱۶۰ - ۱۴۹). زیرا هدف آن توصیف کردن شرایط یا پدیده های مورد بررسی تنها در دو واحد آموزشی است. با توجه به ماهیت موضوع تحقیق که شامل "بررسی نگرشهای فرزند پروری والدین و خلاقیت دانش آموزان مدارس ابتدایی پسرانه و دخترانه استعدادهای درخشان ارومیه" است.

مجموعه ای از افراد یا آزمودنیها که حداقل در یک ویژگی مشترک باشند یک جامعه آماری را تشکیل می دهند معمولا در هر پژوهش، جامعه مورد بررسی یک جامعه آماری است که پژوهشگر مایل است در باره صفت یا صفتهای متغیر واحدهای آن به مطالعه بپردازد (سیدعباس زاده، ۱۳۸۰، ص ۱۹۱). جامعه آماری مورد نظر در این تحقیق مشتمل است بر کلیه دانش آموزان پسر و دختر مدارس مقطع راهنمایی شهر سراوان و والدین آنها. براساس آمار منتشره از سوی سازمان آموزش و پرورش استان مجموعا ۲۰۹۴ نفر دانش آموز پسر و دختر در ۸۹ کلاس مقطع ابتدایی و دبیرستان تحت پوشش سازمان ملی پرورش (سمپاد) استان که شامل سه مرکز سراوان، خوی و میاندآب می باشد مشغول تحصیل هستند. از این میان جامعه آماری مورد مطالعه این تحقیق شامل کلیه دانش آموزان مشغول تحصیل پسر و دختر مدارس پرورش مقطع ابتدایی شهر سراوان در سال ۸۸-۱۳۸۷، والدین آنها و مربیان مدارس مذکور می باشد که مجموعا ۴۲۷ نفر دانش آموز دختر و پسر (۲۰۹ نفر پسر و ۲۱۸ نفر دختر) تمامی والدین آنها (۴۲۷ نفر) و معلمان به تعداد ۷۶ نفر (۴۰ نفر مربی مدرسه پسرانه و ۳۶ نفر مربی مدرسه دخترانه) را شامل می شود.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده ها نسبت به نوع متغیرهای تحقیق از روشهای آمار توصیفی (معیارهای تمرکز، معیارهای پراکندگی و جداول فراوانی همراه با نمودارهای مربوطه) و برای تبیین فرضیات تحقیق از روشهای استنباطی پارامتریک (آزمون همبستگی و آزمون T و تحلیل واریانس) بر اساس نرم افزار آماری SPSS⁶ 13 استفاده شده است.

¹ - None experimental

² - Experimental

³ - Discriptive

⁴ - Case study

⁵ - Survey

⁶ - Statiscal pakager for the social sciences 13 (SPSS13)

آمار توصیفی^۱ در سطح آمار توصیفی از روشهایی چون معیارهای طبقه بندی (محاسبه جداول فراوانی، نمودارهای مربوطه) و معیارهای تمرکز (محاسبه میانگین) و معیارهای پراکندگی (واریانس و انحراف معیار) استفاده شده است. همچنین برای تبیین فرضیه های تحقیق از آمار استنباطی^۲ شامل (ضریب همبستگی، آزمون T و تحلیل واریانس) استفاده شده است.

یافته های تحقیق

فرضیه اصلی: بین نگرشهای فرزند پروری والدین و رشد خلاقیت دانش آموزان رابطه وجود دارد.

جدول ۱- رابطه خلاقیت با میزان نگرش والدین

خلاقیت		مقیاس سیالی	مقیاس بسط	مقیاس ابتکار	مقیاس انعطاف پذیری	خلاقیت کلی تورنس
نگرش والدین نسبت به تربیت فرزندان	میزان همبستگی	۰/۱۷۴	۰/۱۶۱	۰/۱۴۳	۰/۱۱۱	۰/۲۰
	P-value	۰/۰۰۳	۰/۰۰۵	۰/۰۱۳	۰/۰۵۲	۰/۰۰۱

برای بررسی رابطه خلاقیت کلی تورنس و نگرش والدین از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد با توجه به اطلاعات فوق ملاحظه می گردد که میزان رابطه خطی بین مقیاس سیالی و میزان نگرش والدین برابر $r=0/174$ ($P=0/003 < 0/05$)، بوده که میزان این رابطه بین مقیاس بسط با نگرش برابر $r=0/161$ ($P < 0/005$) و با مقیاس ابتکار برابر $r=0/143$ می باشد. اما بین مقیاس انعطاف پذیری و نگرش والدین رابطه آماری معنی دار وجود ندارد ($P > 0/05$) اما در حالت کلی ملاحظه می گردد که میزان خلاقیت کلی تورنس با نگرش والدین دارای رابطه آماری به میزان $r=0/20$ می باشد که این میزان حاکی از رابطه نسبتاً ضعیفی است. یعنی می توان گفت نگرش والدین نسبت به خلاقیت فرزندان تأثیری نسبتاً ضعیفی دارد.

¹ - Descriptive statistics

² - Inferential statistics

- بررسی میزان خلاقیت فرزندان در بین جنسیت آنان:

فرضیه فرعی شماره ۱: نگرشهای فرزند پروری منجر به رشد خلاقیت والدین در مورد دانش آموزان پسر و دختر متفاوت است.

جدول ۲- مقایسه میانگین میزان مقیاسهای خلاقیت بین دختران و پسران

متغیر	جنسیت	میانگین	انحراف معیار	آماره t	P-value
مقیاس سیالی	دختر	۳۳/۶۱	۵/۰۶	۲/۴۳	۰/۰۱۵
	پسر	۳۲/۱۸	۵/۸۰		
مقیاس بسط	دختر	۱۵/۵۴	۳/۱۷	۳/۳۵	۰/۰۰۱
	پسر	۱۳/۸۸	۳/۲۷		
مقیاس ابتکار	دختر	۲۳/۲۰	۴/۳۲	۲/۵۶	۰/۰۱۱
	پسر	۲۱/۸۷	۵/۱۲		
مقیاس انعطاف پذیری	دختر	۱۷/۲۵	۲/۴۷	۳/۸۸	۰/۰۰
	پسر	۱۶/۱۱	۳/۰۱		
خلاقیت کلی تورنس	دختر	۸۸/۶۹	۱۲/۱۶	۳/۰۹	۰/۰۰۲
	پسر	۸۷/۰۷	۱۳/۹۹		

برای مقایسه تفاوت میزان خلاقیت فرزندان بین جنسیت از آزمون t گروههای مستقل استفاده گردید یافته‌های بدست آمده بیان می‌دارد که میانگین خلاقیت در دختران و پسران بترتیب برابر $(۳۳/۶۱ \pm ۵/۰۶)$ ، $(۳۲/۱۸ \pm ۵/۸۰)$ است با ملاحظه نتیجه آزمون t فرضیه H_0 در سطح خطای ۰/۰۵ معنی‌دار است بعبارت دیگر میزان نمرات مقیاس سیالی خلاقیت در دختران بیشتر از پسران می باشد. $(P < ۰/۰۵)$ ، اما در بررسی میزان خلاقیت بسط بین دختران و پسران دانش‌آموز، ملاحظه گردید که این میزان برای دختران برابر $(۱۵/۵۴ \pm ۳/۱۷)$ و برای پسران برابر $(۱۳/۸۸ \pm ۳/۲۷)$ می باشد بطوریکه برابری میانگین گروهها در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است $(P < ۰/۰۵)$ به بیان دیگر مقیاس بسط در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین میزان مقیاس ابتکار در دختران $(۲۳/۲۰ \pm ۴/۳۲)$ و در پسران برابر $(۲۱/۸۷ \pm ۵/۱۲)$ می باشد که این میزان در سطح خطای ۰/۰۵ معنی دار است $(P = ۰/۰۱۱ < ۰/۰۵)$ بعبارت دیگر مقیاس ابتکار نیز در دختران بیشتر از پسران می باشد. در بررسی میزان مقیاس انعطاف پذیری دختران و پسران ملاحظه گردید که این میزان در دختران و پسران بترتیب برابر $(۱۷/۲۵ \pm ۲/۴۷)$ ، $(۱۶/۱۱ \pm ۳/۰۱)$ می باشند که با مراجعه به نتیجه آزمون t فرضیه برابری میانگین ها در سطح ۰/۰۵ بشدت معنی دار است یعنی می توان گفت خلاقیت انعطاف پذیری در دختران بیشتر از پسران می باشد. همچنین در برآورد کلی خلاقیت تورنس بین دختران و پسران نتیجه حاصله دلالت بر برتری میزان خلاقیت دختران نسبت به پسران می باشد. $(P = ۰/۰۰۲ < ۰/۰۵)$.

- بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی:

فرضیه فرعی شماره ۲: میزان خلاقیت دانش آموزان در بین پایه های مختلف تحصیلی متفاوت است.

جدول ۲- مقایسه میزان خلاقیت بین پایه های تحصیلی

		میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	Fآماره	P-value
سیالی مقیاس	کلاس اول	32.4359	5.19513	.48029	.679	.50
	کلاس دوم	33.1681	4.77139	.44885		
	کلاس سوم	33.1579	6.35885	.59556		
	مجموع	32.9157	5.47737	.29532		
مقیاس بسط	کلاس اول	14.5517	3.31359	.30766	.228	.79
	کلاس دوم	14.5929	3.41644	.32139		
	سوم کلاس	14.3250	3.10641	.28358		
	مجموع	14.4871	3.27091	.17509		
مقیاس ابتکار	کلاس اول	22.3694	5.14680	.48851	1.175	.31
	کلاس دوم	23.1171	4.25278	.40366		
	سوم کلاس	22.2000	4.85437	.45267		
	مجموع	22.5579	4.76942	.25981		
پذیری انعطاف مقیاس	کلاس اول	16.6417	2.92711	.26721	.64	.434
	کلاس دوم	16.9115	2.37004	.22295		
	کلاس سوم	16.5917	3.04448	.27792		
	مجموع	16.7110	2.79941	.14900		
خلاقیت کلی تورنس میزان سنجش	کلاس اول	85.7549	13.43664	1.33043	.309	.73
	کلاس دوم	87.1923	12.18154	1.19450		
	سوم کلاس	86.2621	14.24709	1.40381		
	مجموع	86.4078	13.28174	.75557		

برای بررسی میزان خلاقیت در بین پایه های تحصیلی (اول، دوم و سوم) از آزمون تحلیل واریانس یکطرفه استفاده گردید با رجوع به اطلاعات بدست آمده فوق، مشاهده می گردد که میزان مقیاس سیالی در بین پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر $(32/43 \pm 5/19)$ و $(33/16 \pm 4/77)$ و $(33/15 \pm 6/35)$ می باشد ولی میزان مقیاس بسط در پایه اول برابر $(14/55 \pm 3/31)$ ، در پایه دوم برابر $(14/59 \pm 3/41)$ و در پایه سوم برابر $(14/32 \pm 3/10)$ می باشد اما میزان مقیاس ابتکار در پایه های اول، دوم و سوم بترتیب برابر $(22/36 \pm 5/14)$ ، $(23/11 \pm 4/25)$ و $(22/20 \pm 4/85)$ محاسبه گردیده است. همچنین میزان مقیاس انعطاف پذیری در پایه اول برابر $(16/64 \pm 2/92)$ ، در پایه دوم $(16/91 \pm 2/37)$ و در پایه سوم برابر $(16/59 \pm 3/04)$ می باشد. با

ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس استنباط می گردد که فرضیه H_0 مبنی بر برابری میانگین خلاقیت بین پایه های تحصیلی مورد تأیید است عبارت دیگر خلاقیت در بین پایه های تحصیلی متفاوت نیست. ($P > .05$)

بررسی تأثیر وضعیت رفاهی خانوادگی در میزان خلاقیت

فرضیه فرعی شماره ۳: میزان خلاقیت دانش آموزان با برخی متغیرهای دموگرافیک پاسخگویان مثل سطح تحصیلات، وضعیت رفاهی و شغل والدین ارتباط معنی داری دارد.

جدول ۴- مقایسه وضعیت رفاهی خانواده ها و خلاقیت دانش آموزان

وضعیت رفاهی خانواده	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره F	P-value
مقیاس سیالی	رفاه پایین	32.9722	4.99420	1.26	.28
	رفاه متوسط به پایین	32.6292	4.85560		
	رفاه متوسط	33.6575	5.32326		
	رفاه متوسط به بالا	31.7111	7.36275		
	رفاه بالا	32.6923	4.36625		
	مجموع	33.0000	5.47221		
مقیاس بسط	رفاه پایین	15.1316	3.26464	2.58	.037
	رفاه متوسط به پایین	14.2809	3.45421		
	رفاه متوسط	14.7055	2.88436		
	رفاه متوسط به بالا	14.3191	3.63023		
	رفاه بالا	12.0000	3.89444		
	مجموع	14.4805	3.26866		
مقیاس ابتکار	رفاه پایین	22.5405	4.07972	1.16	.39
	رفاه متوسط به پایین	22.3373	4.71447		
	رفاه متوسط	22.8231	4.36942		
	رفاه متوسط به بالا	22.7209	6.26907		
	رفاه بالا	20.0000	4.16333		
	مجموع	22.5387	4.71823		
مقیاس انعطاف پذیری	رفاه پایین	16.2895	2.80836	.32	.861
	رفاه متوسط به پایین	16.6818	2.33191		

		20786	2.57114	16.8562	رفاه متوسط	سنجش میزان خلاقیت کلی تورنس
		.64637	4.33601	16.7111	رفاه متوسط به بالا	
		.64664	2.33150	16.5385	رفاه بالا	
		.15363	2.82034	16.7151	مجموع	
		2.08418	12.33019	87.2857	رفاه پایین	
		1.35860	12.15167	85.4125	رفاه متوسط به پایین	
		1.02407	11.58608	87.8047	رفاه متوسط	
		3.15578	19.95892	85.7250	رفاه متوسط به بالا	
		3.03009	10.92515	81.2308	رفاه بالا	
		.76849	13.22168	86.5270	مجموع	
.39	1.028					

با توجه به یافته های جدول فوق ملاحظه می گردد که مقیاسهای سیالی، ابتکار، انعطاف پذیری و خلاقیت کلی تورنس در بین طبقات رفاهی مختلف تفاوت معنی داری وجود ندارد ($P > .05$) بعبارت دیگر وضعیت رفاهی در مقیاسهای ابتکار، سیالی، انعطاف پذیر تأثیر ندارد اما با ملاحظه میزان مقیاس بسط در دانش آموزانی که خانواده های آنان از وضعیت رفاهی کمتر برخوردارند برابر $(15/13 \pm 3/26)$ و میزان مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه متوسط برابر $(14/7 \pm 2/83)$ بوده و این در حالی است که مقیاس بسط در فرزندان خانواده های رفاه بالا برابر $(12 \pm 3/89)$ می باشد. لذا با ملاحظه نتیجه آزمون تحلیل واریانس فرضیه H_0 معنی دار است ($P < .05$) بعبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان در خانواده های رفاه بالا کمتر است.

- بررسی خلاقیت فرزندان بین نگرش والدین

فرضیه شماره ۴: رابطه بین میزان مقیاسهای خلاقیت (سیالی، بسط، ابتکار و انعطاف پذیری) دانش آموزان و میزان نگرشهای فرزند پروری والدین (سلطه گری، سهل انگاری و وابستگی شدید) متفاوت است.

جدول ۵- مقایسه میزان خلاقیت فرزندان با میزان نگرش والدین

والدین رفتاری نگرش میزان	میانگین	انحراف معیار	خطای انحراف معیار	آماره t	P-value
مقیاس سیالی	متوسط نگرش	32.9307	5.60275	.33847	.92
	بالا نگرش	33.0435	4.71437	.98301	
مقیاس بسط	متوسط نگرش	14.5054	3.23771	.19454	.115
	بالا نگرش	13.4167	3.17486	.64806	
مقیاس ابتکار	متوسط نگرش	22.3556	4.86466	.29605	.95
	بالا نگرش	21.5652	4.08797	.85240	
مقیاس انعطاف پذیری	متوسط نگرش	16.7845	2.79301	.16603	.58
	بالا نگرش	17.1364	2.60577	.55555	

خلاقیت کلی تورنس	متوسط نگرش	86.2984	13.52669	.85895	.47	.63
	بالا نگرش	84.8000	12.63496	2.82526		

با عنایت به نتایج حاصله در خصوص میزان خلاقیت در بین نگرش رفتاری والدین، با توجه به اینکه سطوح نگرش رفتاری والدین در دو بعد نگرش متوسط و نگرش بالا محدود می باشد، از آزمون t گروههای مستقل استفاده می گردد. نتایج حاصله بیان می دارد که میزان خلاقیت در مقیاس سیالی در والدین که نگرش متوسط و بالا دارند به ترتیب برابر $(32/93 \pm 5/60)$ و $(33/04 \pm 4/71)$ محاسبه گردیده است که این دو میزان در سطح خطاپذیری ۵٪ معنی دار نیستند بعبارت دیگر مقیاس سیالی فرزندان بین نگرش والدین تفاوت نمی کند به همین ترتیب خلاقیت مقیاسهای بسط، ابتکار و انعطاف پذیری نیز بین میزان نگرش رفتار والدین تفاوت ندارند. بعبارت دیگر چنین استنباط می گردد که خلاقیت فرزندان متأثر از نگرش رفتاری والدین نسبت به فرزندان نمی باشد. ($P > 0.05$)

- بررسی رابطه نوع نگرش رفتاری والدین با خلاقیت

جدول ۶- سنجش میزان همبستگی انواع نگرش والدین با خلاقیت فرزندان

نگرش / خلاقیت		مقیاس سیالی	مقیاس بسط	مقیاس ابتکار	مقیاس انعطاف پذیری	خلاقیت کلی تورنس
نگرش سلطه گری	میزان همبستگی	۰.۱۲۸	۰.۱۶۶	۰.۱۱۷	۰.۰۸۶	۰.۱۶۰
	P-value	۰.۰۲۲	۰.۰۰۳	۰.۰۳۹	۰.۱۱	۰.۰۰۷
نگرش وابستگی شدید	میزان همبستگی	۰.۱۱۳	۰.۰۷۴	۰.۰۹۶	۰.۱۱۱	۰.۱۴۵
	P-value	۰.۰۱۳	۰.۱۸۰	۰.۰۹۸	۰.۰۴۲	۰.۰۱۳
نگرش سهل انگاری	میزان همبستگی	۰.۱۰۹	۰.۱۰۸	۰.۰۹۳	۰.۰۲۲	۰.۱۱۹
	P-value	۰.۰۶۲	۰.۶۰	۰.۱۱۱	۰.۷۱	۰.۰۵۲

برای بررسی ارتباط نوع نگرش والدین با خلاقیت از آزمون همبستگی استفاده گردید، اطلاعات بدست آمده از پژوهش بیان میدارد میزان پیوند آماری نگرش سلطه گری و نگرش وابستگی با خلاقیت کلی تورنس به ترتیب برابر ۰.۱۶، ۰.۱۴۵ میباشد که این میزانها رابطه نسبتاً ضعیفی را شامل میگردد. یعنی میتوان گفت والدین در نوع نگرش خود نسبت به خلاقیت فرزندان با تردید مواجه بوده اند. همچنین هیچ رابطه آماری بین نگرش سهل انگاری والدین با نوع خلاقیت فرزندان پدید نیامده است ($p < 0.05$). کما اینکه بین مقیاس ابتکار فرزندان با نگرش وابستگی و مقیاس انعطاف پذیری با نگرش سلطه پذیری نیز پیوند آماری رویت نگردید.

نتیجه‌گیری

نتایج تحقیق حاکی است ۰/۱۱/۶ دانش‌آموزان خلاقیت بسیار زیاد، ۰/۴۲/۲ خلاقیت زیاد، ۰/۲۸/۷ خلاقیت کم و ۰/۱۷/۵ خلاقیت بسیار کم از خود نشان دادند که ۰/۵۳/۸ بالاتر از متوسط و ۰/۴۶/۲ نیز پایین‌تر از حد متوسط می‌باشند. درحالی‌که اکثریت والدین (۰/۹۲/۵) نگرش حد متوسطی به رشد خلاقیت فرزندان دارند. فلذا از نظر شیوه‌های فرزند پروری و میزان خلاقیت دانش‌آموزان همخوانی زیادی وجود نداشته و رابطه آماری معنی‌داری نیز بدست نیامده است. بطوریکه ارتباط ضعیف ($r=0.20$) بین میزان خلاقیت دانش‌آموزان و نگرش‌های فرزند پروری والدین گویای این امر بوده و عامل خلاقیت بطور معنی‌داری متأثر از نگرش والدین نیست. یعنی والدین دیدگاه‌های تربیتی روشن و جهت‌داری که بتواند رشد قوه ابتکار و نوآوری کودکان را پشتیبانی و حمایت کند نداشته و در تربیت فرزندان گرایش‌های شدیداً محافظه‌کارانه‌ای دارند که می‌تواند دلیلی بر تقدم و اهمیت موفقیت تحصیلی فرزندان بر رشد خلاقیت از نظر والدین باشد و یا اینکه عوامل مختلفی در رشد خلاقیت کودکان مؤثر هستند که نگرش‌های فرزند پروری یکی از آنهاست و یا اینکه اثرات رفتاری والدین که می‌تواند متفاوت از نگرش باشد مهم‌تر است و نهایتاً اینکه اکثر والدین بنا به دلایلی در این خصوص ابهام و اکراه دارند. با وجود این ارتباط برخی از عوامل تشکیل‌دهنده خلاقیت با نگرش‌های والدین، جنسیت دانش‌آموزان، تحصیلات و شغل والدین، وضعیت رفاهی خانواده‌ها و... که مربوط به فرضیه‌های فرعی تحقیق می‌باشد قابل توجه است بطوریکه برای والدین موفقیت تحصیلی فرزندان مهم‌تر از رشد خلاقیت بوده و در مقام مقایسه میانگین نمرات خلاقیت دختران بیشتر از پسران است تحقیق کفایت (۱۳۷۳) همین نتیجه را تأیید می‌کند البته چنین نتیجه‌ای می‌تواند ناشی از بلوغ زودرس و تفاوت در سنین رشد جسمی - روانی دختران نیز باشد. توزیع فراوانی میزان خلاقیت دانش‌آموزان نیز به ترتیب برای بسیار کم، کم، زیاد و بسیار زیاد ۱۷/۵٪، ۲۸/۷٪، ۴۲٪/۲ و ۱۶/۶٪ می‌باشد. لکن تفاوت معنی‌داری از نظر میزان خلاقیت در بین پایه‌های مختلف تحصیلی مشاهده نگردید. همچنین میزان عوامل چهارگانه خلاقیت (بسط، سیالی، ابتکار و انعطاف‌پذیری) در دختران بیشتر از پسران است. در مورد متغیرهای دموگرافیک نتایج حاکی است: ۱- مقیاس خلاقیت سیالی فرزندان خانواده‌های مرفه کمتر است که می‌تواند دلیلی بر اهمیت و تقدم موفقیت تحصیلی بر رشد خلاقیت در این طبقه و بالا بودن انگیزه تغییر و انتظار در بین طبقات پایین اجتماع باشد ۲- اکثریت پدران (حدود ۰/۶۰) و مادران (حدود ۰/۴۸) دانش‌آموزان دارای تحصیلات عالی لیسانس و بالاتر هستند. شغل اغلب مادران را خانه‌داری (۰/۶۷) و معلمی (۰/۲۵/۳) و شغل اغلب پدران را کارمندی (۰/۳۸/۳) و آزاد (۰/۲۷) تشکیل می‌دهد.

منابع و مآخذ

- ۱- آناستازی، ا. (۱۳۶۴). روان آزمایی، مترجم محمد نقی براهنی، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۲- آقایی فیشایی، تیمور. (۱۳۷۷). خلاقیت و نوآوری در انسانها و سازمانها، انتشارات ترمه، چاپ اول،
- ۳- آزاد، قاسم. (۱۳۸۵). آزمون سنجش خلاقیت تورنس. (<http://www.moalemrc.com>).
- ۴- احدی، حسن و مظاهری. خلاقیت. (۱۳۸۷). (<http://www.afrinshdaily.ir>).
- ۵- اسپورن، الکس، اس. (۱۳۸۱). پرورش استعداد همگانی ابداع و خلاقیت، ترجمه حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو، چاپ سوم،
- ۶- افروز، غلامعلی. (۱۳۶۴). مقدمه ای بر روانشناسی و آموزش و پرورش کودکان استثنائی، انتشارات دانشگاه تهران،
- ۷- استرایکر، سوزان (۱۳۸۵). کلیدهای پرورش خلاقیت هنری در کودکان و نوجوانان، مترجم اکرم قیطاسی، موسسه انتشاراتی صابرین.
- ۸- بازرگان، عباس و همکاران. (۱۳۸۵). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگاه، چاپ دوازدهم،
- ۹- بنی جمالی، شکوه السادات و احدی، حسن. (۱۳۷۰). بهداشت روانی و عقب ماندگی ذهنی، انتشارات نشرنی،
- ۱۰- برونو، فرانکو. (۱۳۷۰). فرهنگ توصیفی روانشناسی، ترجمه مهشید یاسائی و فرزانه طاهری، انتشارات طرح نو،
- ۱۱- برزگر، احمد. (۱۳۸۰). فن آوری و نقش آن در نظام آموزش خلاق،
- ۱۲- برزگر خلیلی، محسن و فاطمی، مریم سادات. (۲۰۰۸)، خلاقیت و نوآوری در سازمانها. (<http://www.creativity.ir>)
- ۱۳- پورظهیر، علی تقی. (۱۳۸۴). مبانی و اصول آموزش و پرورش، انتشارات آگاه،
- ۱۴- تافلر، الوین. (۱۳۷۳). شوک آینده، ترجمه حشمت الله کامرانی، چاپ گلشن تهران،
- ۱۵- تافلر، الوین. (۱۳۷۱). موج سوم، ترجمه شهیندخت خوارزمی. انتشارات پوریا،
- ۱۶- ترزا، آمابلی. (۱۳۷۵). شکوفائی خلاقیت کودکان، ترجمه حسن قاسم زاده و پروین عظیمی، نشر دنیای نو،
- ۱۷- تلخابی، محمود. (۱۳۸۰). بررسی عوامل درون مدرسه ای مؤثر بر خلاقیت دانش آموزان کلاس پنجم ابتدائی شهرستان زنجان،
- ۱۸- توران نژاد، ربابه. (۱۳۷۸). بررسی خودانگاری معلمان ابتدائی در باره توجه آنان نسبت به پذیرش خلاقیت،
- ۱۹- تورنس، ئی پال. (۱۳۷۲). استعدادها و مهارتهای خلاقیت، مترجم دکتر حسن قاسم زاده، نشر دنیای نو،
- ۲۰- جویس، یروس. وویل، مارشال. وکالهن، امیلی. (۱۳۸۴). الگوهای تدریس ۲۰۰۴، ترجمه محمدرضا بهرنکی، انتشارات کمال تربیت.
- ۲۱- چونگ، وو کیم. (۱۳۷۴). سنگفرش هر خیابان از طلاست، ترجمه محمد سوری، انتشارات سیمین،
- ۲۲- حاجی دخت، بهاره. (۱۳۸۷). بررسی ارتباط فرهنگ سازمانی و خلاقیت مدیران متوسطه دخترانه ارومیه،
- ۲۳- حسینی، افضل السادات. (۱۳۷۸). خلاقیت و رشد آن در سازمان، فصلنامه تحول اداری، دوره چهارم، شماره ۱۷،
- ۲۴- حسن زاده، فریبا. (۱۳۸۳). بررسی توصیفی تاثیر آموزش بارش مغزی بر خلاقیت،
- ۲۵- خمارلو، توران. (۱۳۷۰). کتاب کار مربی کودک، انتشارات آگاه،
- ۲۶- دافی، برنات، (۱۳۸۰). تشویق خلاقیت و تخیل در کودکان، ترجمه مهشید یاسائی، انتشارات ققنوس،

- ۲۷- دائمی، حمیدرضا و مقیمی، سیده فاطمه. (۱۳۸۳). هنجاریابی آزمون خلاقیت تورنس، (<http://www.SID.ir>).
- ۲۸- دیوید، بوهم. (۱۳۸۱). در باره خلاقیت، ترجمه محمد علی حسین نژاد، نشر ساقی، چاپ اول،
- ۲۹- دوبونو، ادوارد. (۱۳۸۷). خلاقیت کارآمد. ترجمه ملک دخت قاسمی نیک بخش، نشر اختران،
- ۳۰- رسولی پور، منصور. (۱۳۸۶). اهمیت خلاقیت و روشهای پرورش آن در دوره ابتدائی (<http://www.aftab.ir>)
- ۳۱- رمی، شوون. (۱۳۶۸). سرآمدها، ترجمه محمود میناکاری، مرکز نشر دانشگاهی تهران،
- ۳۲- سیدعباس زاده، میرمحمد. (۱۳۸۰). روشهای عملی تحقیق در علوم انسانی، انتشارات دانشگاه ارومیه،
- ۳۳- سرمد، زهره و بازرگان، عباس و حجازی، الهه. (۱۳۸۵). روشهای تحقیق در علوم رفتاری، انتشارات آگه،
- ۳۴- سیف هاشمی، فخرالسادات. (۱۳۸۲). بررسی رابطه بین ذهنیت فلسفی و خلاقیت مدیران مدارس متوسطه شهر اصفهان،
- ۳۵- سیف، علی اکبر. (۱۳۷۲). روانشناسی پرورشی، انتشارات آگاه تهران،
- ۳۶- شهبازی، صادق و شهریاری، بهروز. (۱۳۸۶). روش استفاده از دانش خلاقیت شناسی <http://www.Knowclub.com>.
- ۳۷- شوستروم، اورت. (۱۳۶۲). روانشناسی انسان سلطه جو، ترجمه غلامعلی سرمد و قاسم قاضی، نشر سپهر،
- ۳۸- صافی، احمد. (۱۳۷۹). مدیریت و نوآوری در مدارس، انتشارات سازمان انجمن اولیاء و مربیان،
- ۳۹- طالب زاده، عباس. (۱۳۸۵). خلاقیت و نوآوری در افراد و سازمان ها، ماهنامه علمی - آموزشی تدبیر، سال پانزدهم، شماره ۱۵۲.
- ۴۰- عشایری، حسن. (۱۳۸۶). روزنامه اعتماد، مورخه ۱۳۸۶/۱۰/۲۳.
- ۴۱- فرنودیان، فرج الله. محتوی بررسی و پژوهشی خلاقیت دانش آموزان، مجله رشد تکنولوژی، شماره ۵ و ۶.
- ۴۲- قاسم زاده، علی. (۱۳۸۱). نگاهی به تاثیر روشهای تدریس سنتی و پیشرفته در خلاقیت دانش آموزان،
- ۴۳- قاضی، قاسم. (۱۳۶۲). روانشناسی انسان سلطه جو، مرکز نشر سپهر،